



بررسی و تبیین راهکارهای عملی شدن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی عباسعلی طالبی؛ فریبرز پیرو؛ سید ابوالفضل موسوی زاده^۳

۳۱

دوره ۸، شماره ۴، پیاپی ۳۱
زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۱۲/۱۷

صص: ۵۷-۳۳

شاپا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۳۸۱



چکیده

مقام معظم رهبری در بهمن ۱۳۹۷ در مانیفستی تحت عنوان بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تبیین وضعیت سه گانه گذشته حال و آینده نظام برآمده از انقلاب اسلامی به تشریح مهم‌ترین شاخصه‌های پیش برنده و محقق‌کننده اهداف و آرمان‌های جمهوری اسلامی پرداخته‌اند این پژوهش ضمن مفروض‌انگاری بیانیه به عنوان یک سند چشم‌انداز با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به طرح این سوال پرداخت که راهکارها و راهبردهای عملیاتی شدن بیانیه کدام است. در پاسخ این فرضیه مطرح شد که توجه به علم و لزوم بومی‌سازی و تبدیل آن به فناوری، گفتمان‌سازی، توانمندسازی جوانان، افزایش قدرت ملی و تزریق امید آفرینی به فردای محتمل مهم‌ترین مولفه‌های اجرایی شدن بیانیه می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد اولاً این بیانیه ظرفیت و توانایی بالایی در اجرایی شدن و تضمین حیات جمهوری اسلامی را دارد. ثانیاً این بیانیه به مسئولین کمک می‌کند تا با درک شرایط موجود و تحلیل درست از آینده مهم‌ترین راهکارها را در سیاستگذاری و برنامه‌ها داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: بیانیه گام دوم، راهبرد، گفتمان‌سازی، اقتصاد، راهکارها.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، و روابط بین الملل واحد سوادکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، سوادکوه، ایران (نویسنده مسئول)

talebi_abbas@yahoo.com

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۳. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

مقدمه

مقام معظم رهبری در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در مانیفستی تحت عنوان بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ضمن بیان دستاوردهای جمهوری اسلامی به تبیین چرایی و چگونگی ادامه راه و ضرورت شکل‌گیری تغییرات اساسی، توصیه‌هایی در اخلاق، اقتصاد، عدالت، مبارزه با فساد و عوامل شکل‌گیری تغییراتی مانند توانمندسازی نیروی انسانی، اصلاح سیاست‌گذاری مبتنی بر شعار ما می‌توانیم، اصلاح سازوکارهای اقتصادی و ترمیم آسیب‌های گذشته با نگاه به ظرفیت‌های داخلی را به عنوان نقشه راه در پیاده‌سازی طرح تمدن اسلامی بیان کرده است. (طالبی، موسوی زاده، ۱۴۰۲: ۱۷۳).

بیانیه به مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی فصل جدید و افقی روشن برای تضمین حیات و پویایی جمهوری اسلامی مطرح شده است. این بیانیه، اساساً دو هدف اساسی و کاربردی را دنبال می‌کند هدف اول آن، به لحاظ تاریخی ارائه تصویر جامعی از حیات ۴۰ ساله انقلاب اسلامی ایران برای شناخت بیشتر نسل‌های نوپای ملت ایران، دستاوردهای بزرگ انقلاب و مظاهر اقتدار ایران و شاخصه‌های مردم‌سالاری دینی بوده است. هدف دوم، تعیین مسیر پیشرفت با بیان هفت مولفه مانند علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و در نهایت، سبک زندگی بوده است. یکی از معیارهای پیشرفت کشور تبیین و تحلیل افق‌های پیش‌رو نگاه راهبردی به آینده در برنامه‌ریزیها و سیاستگذاریها در آینده است. این پژوهش ضمن مفروض‌انگاری بیانیه به عنوان یک سند چشم‌انداز به طرح این سوال پرداخت که راهکارها و راهبردهای عملیاتی شدن بیانیه کدام است. در پاسخ این فرضیه مطرح شد که توجه به علم، لزوم بومی‌سازی و تبدیل آن به فناوری، افزایش قدرت ملی و تزریق امید‌آفرینی به فردای محتمل مهم‌ترین مولفه‌های اجرایی شدن بیانیه می‌باشد. این پژوهش از دو جهت حائز اهمیت است. اولاً بیش از چهار سال از آغاز انقلاب اسلامی گذشته و در طول این چهار دهه همواره سیاستگذاران و متولیان امر بر اهمیت تداوم آن تاکید داشته و نسبت به آینده پیشروی آن پیش‌بینی‌های جدی صورت نگرفته بود. ثانیاً با توجه به چالش‌های نوظهور الزام طرح و تدوین چنین سندی را ایجاد کرد در چنین شرایطی گمانه‌زنی و اجماع‌نظر و توافق برسر چگونگی عملیاتی کردن و تبیین قابلیت آن به نظر می‌رسد. بیانیه گام دوم به مثابه سند چشم‌انداز، تجسم

تصویری پرجذبه از آینده دارد. که گره گشایی از مسائل و مشکلات جامعه نیازمند رمز گشایی از کدهای ارائه شده در سند و تبدیل آن به اقتضائات روز و چالش های نوظهور دارد.

پیشینه تحقیق

ذاکری و شیروانی (۱۴۰۰)، در مقاله ای تحت عنوان بیانیه گام دوم انقلاب به مثدا به نظریه انتظار در اندیشه حضرت آیت العظمی امام خامنه ای (مدظله العالی) با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به بررسی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پرداخته اند یافته ها نشان می دهد یافته نشان می دهد که نویسندگان بیانیه گام دوم انقلاب را به مثابه نقشه راه برای انتظار موعود بررسی می کند. مولایی (۱۴۰۰)، در مقاله ای با عنوان تحلیل محتوای بیانیه گام دوم انقلاب بر مبنای مؤلفه های هویت آفرینی اسلامی ایرانی به بررسی مؤلفه های هویتی مطرح شده در بیانیه پرداخت. یافته نشان می دهد که نویسنده با نگاه تک ساحتی به متن تأکید اصلی در درجه اول بر ایجاد پیش و بصیرت در آحاد ملت به ویژه نسل جوان نسبت به دستاوردها و زمینه های اقتدار و افتخار آفرینی انقلاب مطرح می نماید. ترابی کلاته قاضی (۱۴۰۰)، در مقاله ای با عنوان بیانیه گام دوم انقلاب؛ سند طرح ریزی راهبردی حرکت در مرحله دوم انقلاب اسلامی با استفاده از روش تحلیل مضمون به بررسی محتوای بیانیه گام دوم و احصای نشانه های سند طرح ریزی راهبردی بودن در آن پرداخته شده است. جلیلی و نوروزی فیروز (۱۴۰۰)، در مقاله ای با عنوان واکاوی مؤلفه های تربیت انقلابی زمینه ساز تمدن اسلامی به حوزه های تربیت انقلابی پرداختند. پژوهشی مبتنی بر تحلیل مضمون بیانیه گام دوم ۲۵ مضمون سازمان دهنده معنویت و اخلاق، مبانی و ارزش های انقلاب، مؤلفه های فرهنگی انقلاب، آگاهی بخشی سیاسی، دستاوردهای انقلاب اعتماد به درون، بصیرت، آرمانخواهی، دانش، پژوهش و فناوری، توجه به ظرفیت امید بخش کشور، پیشرفت، اتحاد ملت، نظارت سازنده، مسئولیت پذیری و سبک زندگی اسلامی و ۳ مضمون فراگیر محورهای اساسی انقلاب، عوامل و مقتضیات تربیت انقلابی و موانع تربیت انقلابی نیز استخراج شد. اخوان (۱۳۹۸)، در مقاله ای با عنوان انقلاب در گام دوم با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به شرح و تبیین بیانیه مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی ناظر بر سرفصل چون چهل سالگی انقلاب، برکات انقلاب، وضعیت انقلاب در چهل سالگی پرداخته است. غمامی (۱۳۹۷) در مقاله ای تحت عنوان نسبت سنجی الگوی پایه اسلامی پیشرفت ایرانی و اسلامی با توصیه گام دوم به مثابه

سند بالادستی برای بر این نکته تأکید دارد که بیانیه اسناد دیگر من جمله الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت حاکم بوده و هرگونه بازنگری در سیاست های منوط به لحاظ کردن ملزومات بیانیه است. فضائلی (۱۳۹۷)، بر این نکته تأکید دارد که اهمیت بیانیه بخاطر مرجع صدور، مقطع صدور، مخاطبان و محتوا و مضامین راهبردی آن است.

۱- ملاحظات مفهومی و نظری پژوهش

بیانیه، یا مانیفست متنی است که یک شخص یا گروه از آن برای بیان اصول، عقاید و اهداف خود، خطاب به مردم استفاده می کند. منافست و در معنای سیاسی یک اعلامیه ای است که از سوی مجامع مختلف برای بیان اندیشه سیاسی آن مجامع و سازمان ها انتشار می یابد. رسمیت بیانیه ها، با توجه به بیان کنندگی آنها و مطالب بیان شده، به دو دسته رسمی و غیررسمی طبقه بندی می گردد. به گفته ی فرهنگ عمید، مانیفست یک نوشتار است که در آن، یک گروه یا حزب، نظریه سیاسی، اجتماعی، مذهبی، فلسفی، هنری یا ادبی خود را اعلام می کند. مانیفست هنری توسط بنیانگذاران یک سبک یا مکتب تعیین جدید هنری، خطاب به هنرمندان دیگر و همچنین مردم است. این مانیفست ها، معمولاً تعیین کننده خط مشی ها و اصول و عقاید پیشروان یک سبک یا مکتب به شمار می آیند.

۱-۱- بیانیه گام دوم

مقام معظم رهبری در دهه چهارم انقلاب اسلامی در مانیفستی تحت عنوان بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ضرورت شکل گیری تغییرات اساسی و توصیه هایی در اخلاق، اقتصاد، عدالت، مبارزه با فساد و عوامل شکل گیری تغییراتی مانند توانمند سازی نیروی انسانی در مواجهه با چالش های پیش رو به عنوان نقشه راه در پیاده سازی طرح تمدن اسلامی بیان کرده است. بیانیه گام دوم مانیفستی برای گام دوم انقلاب اسلامی است که مقام معظم رهبری به عنوان رهبری که در شکل گیری و تداوم انقلاب نقش تعیین کننده داشتند و هم گذشته و هم آینده را به خوبی رصد کرده اند، نوشته اند. این بیانیه در حقیقت یک سند سیاسی بالادستی برنامه کلان برای نظام جمهوری اسلامی است که در طلیعه چهل ساله دوم تدوین شده که از یک منظر تجربه جدیدی در حوزه سیاستگذاری کلان برای نظام جمهوری اسلامی محسوب شده و به نسبت خیلی از سند های قبلی مانند که در سال نخست انقلاب تدوین شده است، کامل ترین و جامع ترین نگاه هم به لحاظ روشی و هم به لحاظ محتوایی دارد. مقام معظم رهبری در این بیانیه

ضمن بیان فرصت‌ها، تهدیدها و ظرفیت‌ها توصیه‌هایی در هفت بند ارائه داده‌اند. این پژوهش با تمرکز بر راهکارهای اجرایی شدن تاحدودی کلیه این بندها را مورد توجه قرار خواهد داد.

۱-۲- راهبرد

جهت تحلیل راهبرد ابتدا باید به چیستی راهبرد پرداخت. راهبرد عبارت از برنامه‌ای که مسیر رسیدن به اهداف اساسی را مشخص می‌کند (چگینی، ۱۳۹۱: ۷۴). راهبرد یک برنامه جامع برای عمل است که جهت‌گیری عمده سازمان را معین می‌کند و راهنموده‌هایی برای تخصیص منابع انسانی کسب هدف‌های بلندمدت سازمانی ارائه می‌دهد. راهبرد در واقع تعیین اهداف بلندمدت و اساسی یک نهاد همراه با اتخاذ تدابیر و اقدام جهت تخصیص منابع برای رسیدن به آن اهداف می‌باشد این تعریف علاوه بر تخصیص منابع اشاره‌ای به چگونگی اجرایی شدن سیاست‌ها را تأکید دارد. در تمام تعاریف یا شده سه عنصر مشترک وجود دارد. که همه تعاریف ۱- هدف خاصی که راهبرد برای دستیابی به آن بکار گرفته می‌شود. ۲- ویژگی حیاتی بهره‌گیری از حیاتی به کمک راهبرد برای رسیدن به هدف از پیش تعیین شده. ۳- اینکه راهبرد برای حصول اهداف به منابع موجود، مجموعه‌ای از اقدامات و فعالیت‌ها ترسیم می‌کند که تناسب و یک پارچگی مشهودی با یکدیگر دارند.

۲- راهبردهای عملیاتی شدن بیانیه:

متن بیانیه ضمن بیان مجموعه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها فضا را به لحاظ انتخاب راهبردها با توجه به اقتضائات زمانی برای مسئولین و سیاستگذاران باز گذاشته است. تلاش براین است با توجه به اقتضائات زمانی طی شده از صدور بیانیه و حوادث و اتفاقات رویداده در دهه اخیر و تأثیر آن بر سیاستگذاری و روند مدیریتی کشور، تعدادی راهکارهای اجرایی در تغییر وضعیت و رسیدن به ایده‌آل‌های مطلوب ارائه شود. بیانیه با حمایت همه‌جانبه از دستاوردهای انقلاب اسلامی و نظام برآمده آن، دکترین جدیدی برای کارگذارانش با رویکرد به داخل و با شعار ما می‌توانیم طراحی و تدوین کرده است. در تقسیم بندی و ارزیابی مفاهیم و دیدگاه‌های موجود در متن بیانیه، می‌توان از نظر موضوعی به چهار رویکرد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و پژوهشی (علم و فناوری) تقسیم بندی نمود.

۲-۱ رویکرد فرهنگی

فرهنگ و محتوای آن به دلیل نهادینه شدن در ذهنیت جامعه، نقش آشکاری در شکل دهی رفتارهای سیاسی اجتماعی مردم و خواص دارد فرهنگ سازی فرایندی است که در آن افراد پویایی فرهنگ پیرامون خود را فرا گرفته و ارزش‌ها و هنجارهای متناسب با آن فرهنگ و جهان بینی آن را به دست می‌آورند در متن بیانیه اهمیت فراوانی به معنویت و اخلاق در ذیل بحث فرهنگی شده است. در بیانیه به نقش فرهنگ در مقام جهت دهنده حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی اشاره مفصلی شده است می‌شود در متن بیانیه در حوزه فرهنگ، چهار راهکار توصیه می‌شود.

۲-۲- ضرورت فهم مشترک

ما برای اینکه به اهداف بیانیه دست پیدا کنیم، نیاز به فهم مشترک داریم. برای این که بتوانیم کشور اول منطقه باشیم و جایگاه نخست را از لحاظ اقتصادی، علمی و فناوری تصاحب کنیم، ابتدا باید فهم مشترک، شاخصه‌های مشترک و زبان همانند پیدا کنیم و همه بر آن توافق نماییم. عمکرد ما نیز باید هماهنگ باشد تا بتوانیم به اهداف بیانیه دست پیدا کنیم. مسئولین و کارگزاران نظام مسئولیت خطیر در ایجاد این هارمونی دارند. این امر در صورتی محقق می‌شود که مسئولان و سیاستگذاران فارغ از موازی کاری و سلیقه انگاری دارای طرح و برنامه‌هایی چون ایجاد سازوکارهای مناسب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آینده نگرانه باشند. دنیای امروز به قول پیتر دراکر دنیای تحولات و تغییرات مداوم و عصر گسست‌ها است. هر چه سرعت تغییرات بیشتر و محتوای آن پیچیده‌تر باشد، امکان مدیریت آن برای استفاده بهتر کاهش می‌یابد و ضرورت تدوین چشم‌انداز و برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت افزون‌تر می‌گردد، زیرا که هر چقدر سرعت بالاتر باشد، نیاز به متدهای قویتر بیشتر احساس می‌شود. سیاستگذاران همگام با این تحولات جهانی در قالب اهداف توسعه، به تقویت جایگاه نظام آموزش عالی در کشور مبادرت ورزد و پاسخگوی نیازهای گوناگون و نوین جامعه باشد بقای امروز جامعه به ویژه سازمان‌ها بستگی به این موضوع دارد که آنها چگونه پذیرای تغییرات شوند و اقدامات و خدمات خود را بهبود بخشیده و توان رقابت پذیری خود را افزایش دهند. با مطالعه اهداف دولت‌های توسعه یافته نشان می‌دهد که غالباً واجد برنامه‌ها و چشم‌اندازهای درازمدت هستند، تا بدین وسیله بتوانند به صورتی هدفمند به سوی آینده قدم بردارند. گرچه در گذشته این آینده‌نگری‌ها عموماً در قالب ایده‌ها یا گزارش‌هایی در مدیران قرار داشت، اما امروزه شاهد تدوین و ارائه گسترده آنها هستیم. در دو

دهه اخیر، بسیاری از دولت‌ها، علاوه بر تدوین چشم‌انداز و اهداف آینده خود، آنها را در معرض رؤیت عموم نیز قرار داده‌اند. این گونه به نظر می‌رسد که دولت‌ها با مکتوب نمودن و در دسترس قرار دادن این بیانیه‌ها حداقل دو قصد عمده را دنبال می‌کنند. در وهله اول خود را ملزم به رسیدن به اهداف و چشم‌اندازهای تعیین شده نموده، زیرا که با اشاعه همگانی موضوع، امکان قضاوت در مورد عملکرد خود را مهیا کرده‌اند. در وهله دوم، با معرفی رسالت خود در تامین خواسته‌های مردم همکاری بیشتری با شهروندان پیدا خواهد شد.

۳-۲- انتقال ارزش‌ها

یکی از مفاهیم کلیدی در پیاده‌سازی بیانیه در حوزه فرهنگ انتقال درست ارزش‌ها و هنجارها به گروه‌های و طبقات اجتماعی است. باور پذیر کردن این ارزش‌ها در طی سال‌ها باعث تقویت هویت ملی می‌شود. هرگونه کنش انسانی مستعد آن است که به شکل عادت درآید. کنشی که پی‌در پی تکرار می‌شود به الگویی تبدیل می‌شود از آن پس می‌توان آنرا با تلاش کم‌تری باز تولید و خودکنشگر هم به الگو بودن آن واقف خواهد شد. افزون بر آن عادت مند شدن نشانه آن است که کنش یاد شده می‌تواند بارها و بارها به همان سبک و سیاق و با همان میزان تلاش اندک انجام شود. درک و دریافت صحیح هویت اصیل و مولفه‌ها و ارزش‌های بنیادی انقلاب اسلامی توسط نسل حاضر، مقدمه لازمی است برای انتقال صحیح انقلاب به نسل آینده، یعنی نسلی که مسئولیت برداشتن گام دوم انقلاب اسلامی بر عهده اوست توالی و تسلسل نسل‌ها یک واقعیت تاریخی است. و همین واقعیت، تحولات اجتماعی و تاریخی را در جوامع انسانی رقم زده است. آنچه در این میان مهم و حیاتی است چگونگی انتقال اصول و ارزش‌های مورد قبول و باور نسل حاضر، به نسل بعد از خود است. بی‌گمان انتقال به ویژه آنگاه که مربوط به اصول و ارزش‌های اعتقادی و عملی باشد کار آسانی نیست، زیرا افزون بر جنبه نظری جنبه عملی و تجری نیاز دارد، به عبارت دیگر انتقال ارزش‌ها به گونه‌ای صورت گیرد که بتوان نسل جدید را نسبت به آن اصول و ارزش‌های زیرساختی هم مومن و هم ملتزم به بار آورد (کلانتری، ۱۳۹۹: ۳۹). در تاریخ همواره نسل‌ها پی‌در پی آمده‌اند و تحولات اجتماعی و تاریخی را رقم زده‌اند. ای دگرگونی‌ها گاه رو به سوی رشد و تعالی داشته و گاه رو به افول و تباهی. بنابراین، انسان همواره در حال حرکت بوده و گسست نسل‌ها یک امر طبیعی به نظر می‌رسد. اگر شکاف میان نسل جدید نسبت به نسل‌های پیشین غیر قابل انتظار باشد به فرسایش نیروهای اجتماعی ختم

خواهد شد. سوالی که مطرح می شود آن است پیش شرط لازم انتقال این ارزش ها شناسایی پیام ها و انتقال آن با چه ابزاری، از چه کانالی، کی و چگونه و با چه مخاطبانی می باشد. از دیدگاه ویلبر شرام انتقال پیام ها حداقل چهار عنصر نقش اساسی دارند. ۱- فرستنده ۲- محتوی پیام ۳- ابزار انتقال ۴- گیرنده پیام یا مخاطب (زارعیان، ۱۳۸۲: ۱۷). در موضوع انتقال اصول و ارزش های انقلاب اسلامی، ارکان و مولفه های اول، دوم و سوم به لحاظ روشی یک امر شناخته شده اند. به عبارت دیگر ارزشها اصول نظری و عملی انقلاب اسلامی توسط نسلی که خود انقلاب را ایجاد کرده به نسل برآمده از انقلاب که مسئولیت حفظ و نگهداری آنرا بر عهده گیرد، انتقال دهد. اما مولفه چهارم یعنی ابزارها، وسایل و روش هایی که بتواند از عهده این مسئولیت بزرگ و حساس و برآید، روشن و یا به راحتی قابل شناسایی به دلیل پیچیدگی وسعت میدان ارتباط، پراکندگی مخاطبان و همچنین لزوم انتقال سریع پیام ها پیچیدگی در دسترس همگان نیست. البته جریانهای معارض داخلی و خارجی نیز که از اساس انقلاب منافع خود در تضاد می بینند با ایجاد شبه و هجمه های فکری و فرهنگی گسترده روند انتقال با چالش روبرو می سازند. بدون تردید عدم انتقال دقیق و راستین هویت ممتاز و اصول و ارزش های انقلاب اسلامی به نسل های پیش رو می تواند این نسل را از درک و دریافت و استمرار صحیح این ارزش ها محروم نماید و این همان «گسست نسلی انقلاب» است که از تهدیدها و اصلی و عمده انقلاب اسلامی به شمار می آید. توجه به همه بخش های بیانیه، زمان صدور آن و تمرکز بر محورهای سه گانه ای که پیش از این به آنها اشاره شد نشان می دهد که روح و آموزه محوری و به احممال زیاد بخشی از انگیزه صدور این بیانیه راهبردی، عطف توجه نخبگان به این چالش مهم در عبور از گام اول به گام دوم انقلاب است. مهم ترین راه انتقال ارزش ها سیاستگذاری رسانه ای است. دو گرایش عمده در تدوی سیاست های رسانه ای وجود دارد؛ گرایش نخست، قائل به جامع نگری و فراگیر بودن مقررات حقوقی مربوط به رسانه های مختلف و تهیه قانون جامع است. گرایش دوم، ضمن اهمیت دادن به قوانین اصلی در زمینه رسانه ها، مانند قانون مطبوعات و اصلاح آن با تأکید بر جنبه هایی که جامعیت آن را تضمین کند، قانونگذاری موردی و کاربردی در زمینه رادیو و تلویزیون، اینترنت را پیشنهاد می کنند Scott & Geden, 2018: 350). استفاده از رسانه ها نه یک رفتار تزئینی، اضطراری و انعکاسی، بلکه جزئی جدایی ناپذیر از زندگی نوین به شمار می رود. در حقیقت، خارج ماندن افراد از گردونه وسایل ارتباط جمعی، به معنای حذف شدن از حیات اجتماعی جدید است. به این ترتیب، فعالیت های رسانه ای

به ویژه در ابعاد ملی آن، به شدت با حقوق فرد و جامعه پیونی می خورد (Grimmelikhuijsen & Albert, 2014:75). وسایل ارتباط جمعی با ساخت برنامه های آموزشی، تولید محتوی، نمادسازی، از طریق فیلم، انیمیشن، تئاتر و سینما نقش بزرگی در انتقال ارزش ها دارند.

۴-۲- اطلاع رسانی از مجموعه دستاوردها

بی تردید میان صحت و اتقان یک اندیشه اجتماعی و کارآمدی و توانایی نظام اجتماعی برآمده از آن در پاسخگویی به مشکلات جامعه رابطه مستقیم وجود دارد. بیان کارآمدی و دستاوردهای یک نظام سیاسی در اجرای اهداف و آرمان های آن می تواند در حفظ و افزایش مشروعیت و مقبولیت یک نظام سیاسی نقش تاثیر گذاری داشته باشد. باز تولید و بازگویی این دستاوردها به ویژه اگر از طریق بهره گیری از انواع هنر مانند شعر، ادبیات، موسیقی، سینما، رسانه های جمعی صورت گیرد تاثیر گذاری ماندگار تری برای نسل نوظهور دارد و راهکار دوم در این زمینه راه اندازی کانون های دانش بنیان، کانونی ها پژوهشی، پایان نامه و رساله های دانشجویی با تامین اعتبار مالی کافی با رعایت عدم موازی کاری با موضوعات مطالعات تطبیقی کشورها و میزان رشد آن در حوزه های علم، تکنولوژی و هنر مختلف می است. افزایش میزان آگاهی ها در کاهش مهاجرت ها بی رویه و افزایش عرق ملی نقش بسزایی دارد. نگاه عمیق به برنامه های پخش شده در شبکه های مختلف نشان می دهد که یکی از مهم ترین اهداف دشمن ترویج روحیه یأس و بحرانی نشان دادن شرایط سیاسی کشور است. فقدان کارآیی دولت: پر رنگ کردن ضعف ها و بی ارزش کردن خدمات، تشدید اختلافات داخلی، ایجاد بدبینی از طریق گفتمان سازی رسانه ای، ارائه تحلیل های شکننده از روابط و مناسبات ایران با سایر کشورها و پخش اخبار و اطلاعات تحریف شده و کلی گویی بخشی از برنامه های یاس آفرین رسانه ها به تناسب زمان تهیه و پخش شده است. مقام معظم رهبری، در فصل اول بیانیه بر ایجاد حس امید در جامعه تأکید می کنند و رویش های انقلابی را، بسی فراتر از ریزش ها و خدمت گزاران را، بیش از خائنان و مفسدان می دانند و فهرستی مفصل از دستاوردهای نظام را مطرح کرده اند تا مردم قبول کنند که ضریب موفقیت در رده بالای قرار دارد. بر اساس بیانیه، اولین گامی که تمام افراد، همچون فعالان فضای رسانه، به آن نیازمند هستند این است که در صورت دسترسی به مخاطبان، واقعیت های گذشته انقلاب اسلامی، واقعیت های دشمنان، استکبار جهانی و توانایی های داخلی را، به شکل صحیحی منتقل کنند. این امور از مطالبات مقام معظم رهبری محسوب می شود، چرا که دشمن، هم در مورد دستاوردهای

چهل ساله نظام سیاه نمایی می کند و هم خود را، به دروغ، موجه نشان داده و هم توانایی های نظام و مردم ایران را پنهان کرده و اجازه نمی دهد که مردم از قدرت خود مطلع شوند.

۵-۲- گفتمان سازی

گفتمان از جمله مفاهیم مهم و کلیدی است که در شکل دادن به تفکر فلسفی اجتماعی و سیاسی مغرب زمین در نیمه دوم قرن بیستم، نقش به سزایی داشته است. اگرچه این مفهوم در ادبیات فلسفی- اجتماعی قرون وسطی و بویژه در دوران مدرن، کاربرد فراوانی داشته و در نوشته های ماکیاولی، هابز و روسو نیز می توان یافت، اما در چند دهه اخیر این مفهوم نزد متفکرانی چون میشل فوکو، دریدا و دیگر متفکران برجسته معاصر مغرب زمین، معنایی متفاوت به خود گرفته است. گفتمان سازی به معنای باور پذیر کردن مردم یا باور عمومی یعنی آن چیزی که به صورت یک سخن مورد قبول عموم تلقی بشود، مردم به آن توجه داشته باشند. گفتمان یک نوع زبان و یک نظام بازنمایی است که از لحاظ سیاسی و اجتماعی توسعه می یابد تا مجموعه ای منسجم از معانی را درباره یک حیطه موضوعی مهم ایجاد و توزیع نماید. گفتمان سازی بیانیه گام دوم انقلاب به معنای تبدیل شدن بیانیه به روح کلی اقبال جامعه و تبلور آن در شیوه زندگی اجتماعی، تعامل، پیشرفت، زیرساخت های اجتماعی و جریان یافتن آن در مویرگ های حیات اجتماعی است که افراد زیادی در نهادها و سازمان های مختلف می توانند دست به تولید گفتمان بزنند، گفتمان سازی که اصل مأمور به تکلیف بودن به جای اصل مأمور به نتیجه بودن مورد توجه است. در دنیای کنونی، بار اصلی اجرای سیاست ها و برنامه های اجتماعی را رسانه ها و ابزارهای گفتمان ساز بر عهده دارند. نگاهی به گستره شبکه های ارتباطی در جهان، نشان از تلاشی هدفمند، برنامه ریزی شده، فرایندی و هوشمندانه در ترویج گفتمان های حاکم دارد. به عبارتی بدون مشارکت بدنه جامعه، تغییر سیاست های اجتماعی امری سخت و طاقت فرسا و همراه با هزینه های گزاف خواهد بود و مشارکت بدنه اجتماعی نیازمند گفتمان سازی در آن حوزه می باشد. گفتمان سازی امری دستوری نیست و نیاز به طراحی فرایندی علمی با توجه به خصوصیات جامعه هدف دارد. هنگامی که از گفتمان سازی صحبت می شود، نگاه صاحب نظران از بخشنامه و ادبیات دستوری، به اقناع فطری و فرایندی زمانبر و برنامه ریزی شده، منعطف می شود و هنگامی که از پیوست گفتمان سازی در انجام فعالیت ها و برنامه های کلان صحبت می شود، منظور شیوه های تبدیل برنامه به ادبیات حاکم بر زندگی نخبگان و مردم جامعه می باشد و به همین دلیل گفتمان سازی فعالیت فرهنگی،

بلندمدت و متنوع است که در کوتاه مدت آثار چندانی نخواهد داشت. گفتمان سازی بر مدار آینده پژوهی همواره فعال و قادر به رصد فعالیت های درست و نادرست و آسیب شناسی می باشد که از شرایط عمل منفعلانه فاصله می گیرد و پاسخ به موقع داده می شود. گفتمان سازی فرایندی برنامه ریزی شده، هدفمند و فعالیتی پربازده در گذر زمان می باشد که کار رسانه ای و هنری برای انتشار هرچه بیشتر مفاهیم متعالی بیانیه، بسیار ضروری است، چرا که تا آگاهی در افکار عمومی ایجاد نشود، گام دوم برداشته نخواهد شد. توجه به مفهوم گفتمان سازی و اهمیت آن، در سایه توجه به وظایف سازمان ها و نهادها در حوزه رسانه ای میسر خواهد شد. در حال حاضر نیز مهم ترین وظیفه رسانه ها تبیین اهداف، نقش افراد، سازمان ها و نهادهای دولتی و مدنی و ایجاد شرایط مناسب برای انجام فعالیت های مقتضی به عنوان بستری مناسب برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب می باشد.

۳- رویکرد اقتصادی

از یک نظر بیانیه به مثابه نقشه راه گامی نوین در طراحی و پیشبرد اهداف ملی به شمار می آید این سند برای اولین بار وضعیت کشور را از گذشته تا حال ترسیم نموده و مکانیسم ها و سازوکارهای رسیدن به آن را به سیاستگذاران واگذار کرده است. در متن بیانیه نسبت به موضوع اقتصاد و جایگاه و اهمیت آن در نظام اسلامی و چالش های آن برخورد های چند ساحتی صورت گرفته است. اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی نقطه قوت و عامل مهم سلطه ناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت و دشمنان است اگر چه اقتصاد هدف نیست ولی وسیله ای است که بدون آن اماکان رسیدن به هدف وجود ندارد (بیانیه گام دوم). انقلاب اسلامی، راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد رژیم گذشته بما نشان داد ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم اثر و حتی بی اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف های مدیریتی است "مهم ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش هایی از اقتصاد که در حیطه و ظایف دولت نیست، عدم نگاه به خارج بدون توجه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده انهدک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاستهای اجرائی اقتصاد و عدم رعایت او اویت ها و وجود هزینه های زائد و مسرفانه در بخش هایی

۳-۲- گذار از خام فروشی نفت

اولین و مهم ترین چالش مورد اشاره مقام معظم رهبری در مورد چالش های درون اقتصاد کشور در بیانیه گام دوم، وابستگی اقتصاد ملی به نفت است. از سال ۱۳۸۷ هجری شمی که نفت در کشور ما کشف و استخراج شد، رویکرد دولت مردان به ذخایر نفتی، منیعی برای درآمد های ارزی بوده است. اکثر دولتمردان به جای اینکه ذخایر نفت و گاز کشور را کانون توسعه اقتصاد ملی بدانند و رشد این صنعت عظیم را محور رشد یاری از بخش های دیگر اقتصادی قرار دهند، صرفاً در پی خام فروشی و پرکردن کردن خزانه از دلارهای نفتی و تبدیل آن به هر نوع کالای واردات بودند. از این رو، با افزایش تولید نفت و یا افزایش قیمت نفت، واردات کالاهای مصرف و صنایع مونتاژ رشد کرد و اقتصاد مصارف توسعه یافت و متأسفانه این پدیده را رشد و توسعه اقتصادی نامیدند. کلان شهرها ایجاد شدند، روستاها و شهرهای کوچک جمعیت فعال خود را از دست دادند، با واردات کالاهای کشاورزی، تولید کشاورزی سقوط کرد و ساختارهای اجتماع تولید کشاورزی از هم گسیخت. با واردات کالاهای صنعتی، صنایع بومی ورشکسته شدند و بیکاری در کشاورزی و صنعت رشد کرد، سود آوری تجارت در واردات خلاصه شد و نظام پولی و بانکی کشور در راستای تقویت این چرخه معیوب عمل کرد و سرمایه گذاری برای نوآوری و رشد فناوری در صنعت، کشاورزی، حمل و نقل خدمات، سود آوری خود را از دست داد. بدیهی است در چنین شرایطی، هرگاه در آمد ارزی به واسطه افت قیمت نفت خام کاهش یابد، بدنه اقتصاد ملی متزلزل می شود (درخشان، ۱۳۹۸: ۱). از راهبردهای مهم در این حوزه گذار از خام فروشی نفت است. خام فروشی باید، از طریق یک برنامه استراتژیکی دقیق وازپیش شده زمانی، پایان یافته و نفت خام با تبدیل به فرآورده های نفتی، پتروشیمی، برق و مانند آن که دارای مشتری بین المللی است با کسب ارزش افزود بیشتر فروخته شود. این امر اشتغال را تقویت، و بیکاری را کاهش روش مناسبی برای دور زدن تحریم ها است (ملکوتیان، کتابی، ۱۳۹۹: ۱۹).

۳-۳- کاهش تصدی گری دولت در فعالیت های اقتصادی

اصولاً بخش هایی از اقتصاد که جنبه حاکمیت ندارند، در حیطه وظایف دولت نیست و نباید دولتی باشد. دولت مسئولیتی در جامعه دارد و آن جا که بازار رقابتی و تولید کننده خصوصاً قادر به فعالیت نیست، دولت باید وارد کار شود و تولید را در دست بگیرد اما اگر میزان فعالیت تولیدی دولت افزایش یابد و اصطلاحاً تصدی گری دولت افزایش پیدا کند کند، موجب ضعیف شدن بازارهای رقابتی و بخش

خصوصی می شود. سهم بازارهای رقابت کاهش یافته و دولت تبدیل به یک انحصارگر بزرگ می شود. در چنین شرایط هم بخش خصوصی قادر به فعالیت نخواهد بود و هم کیفیات تولیدات کاهش می یابد؛ حمایت های دولت از صنایع به صورت نامحدود منجر به کوچک ماندن صنایع، عدم رقابت پذیری در بازارهای جهانی و کاهش کیفیت تولیدات می شود. به طور کلی حمایت باید محدود به زمان خاص، هدفمند و مشروط به بهبود کیفیت تولیدات باشد؛ در غیر این صورت، صنایع برای همیشه کوچک و فاقد معیار کیفی می مانند و این خود ضربه بزرگی به اقتصاد کشور وارد می کند. در صورتی که می توان با سپردن این بنگاه ها به بخش خصوص کیفیت و کارایی را همزمان افزایش هزینه هایش مالیات های بیشتری از شهروندان دریافت کند. گرفتن مالیات تصاعدی از مردم باعث کاهش کارایی می شود چرا که انگیزه های کار و سود آوری سرمایه را کاهش می دهد. همچنین اگر دولت به انجام کارهای بپردازد که چندان ضرورت برای دخالت ندارد و اگر به بخش خصوص واگذار شود، بهتر و کاراتر اقدام می شود، دولت از وظایف اصل خود که همان تنظیم برنامه و قانونگذاری و هدفمندی اقدامات است، باز می ماند (رستمی، ۱۳۹۱: ۴).

۳-۴- نگاه به ظرفیت های داخلی

بعد از انقلاب اسلامی اندیشه حاکم بر دولت ها و مدیران این بوده که رشد و توسعه اقتصادی مستلزم جذب در حوزه توسعه اقتصادی مستلزم جذب بکارگیری سرمایه خارجی است. که به همراه خود فناوری های پیشرفته را به دنبال دارد را نیال و راهکار جذب سرمایه خارجی، امنیت سرمایه گذاری های خارجی و کاهش ریسک کشور برای سرمایه گذاری خارجی است و تحقق این امر، همراه شدن با جریان غالب در اقتصاد جهانی است که تحت فرمانده امریکاست. در حالی که در خلال بیش از صد سال فروش نفت و تبدیل آن به دلارهای نفت که نهایتاً در چرخه تبدیل دلارهای نفتی به واردات کالاها و خدمات به جیب همان خریداران نفت سرازیر شده است، به نظر موردی یافت نمی شود که موردی سرمایه گذاری خارجی در ایران به رشد درونزا و پویا مستمر یک از بخش های اقتصادی کشور شده باشد و با به واسطه این سرمایه گذاری ها، انتقال فناوری های پیشرفته به کشور صورت گرفته باشد. این حقیقت مغفوق مانده است که فناوری، انتقال دادن نیست بلکه کسب کردنی است و لازمه آن، وجود ظرفیت فناوری در یک کشور است. نخست باید شبکه ملی تحقیقات و نوآوری ایجاد شود که بتواند فناوری را جذب، بومی سازی و رشد بدهد و در این فرایند از سایر فناوری

ها کمک بگیرد و رشد حاصله را به فناوری های دیگر سرریز کند. صنعت خودروسازی در کشور نمونه بارزی از شکست سرمایه گذاری های خارج است بیش از ۵۰ سال است که صنعت خودرو در صدر اولویت های بخش صنعت قرار گرفته و نخست با سرمایه گذاری شرکتهای انگلیسی و سپس ایتالیایی، آلمان، کره، و نهایتاً فرانسوی ها رشد کرد. کیفیت خودروهای داخل و قیمت تمام شده و ناتوانی آن در رقابت با سایر خودروها در بازارهای جهانی، حکایت از شکست سرمایه گذاری های خارجی در این صنعت است. اگر در برخی کشورها مانند کره و چین سرمایه گذاری های خارجی موفق بوده ثمرات خوبی برای این کشورها داشته، نه تنها به دلیل زیرساخت های برای جذب فناوری و بومی سازی آن توسط دولت هاست، بلکه به دلیل نظارت دائم و حمایت دولت در رفع موانع رشد داخلی این صنایع و حمایت از ورود آنها به بازارهای جهانی بوده است. در اثر آفت نگاه به خارج، ظرفیت های داخلی فراوان کشور در زمینه انرژی، منابع زیرزمینی، کشاورزی و بخش صنعت مغفول مانده است (فروتنی و بحرانی، ۱۴۰۱: ۲۲۲).

۳-۵- استفاده از ظرفیت نیروی انسانی

در حال حاضر جمعیت ایران جمعیتی جوان و بیش از دو سوم این جمعیت در سن کار و فعالیت هستند. در صورت که از این منابع و ظرفیت انسانی استفاده شود و متناسب با آن شرایط اشتغال و بهره وری ایجاد شود، نه تنها در برخی از مشکلات اشتغال حل خواهند شد، بلکه از محل تولید و بهره وری آن نیل به رشد اقتصادی کمک خواهد شد. از آن جایی که مسایل جمعیتی قلب توسعه اجتماعی و می باشد، مدیریت سرمایه انسانی، تاثیر قابل توجهی برای ایجاد و توسعه رونق اقتصادی و چالش تولید در کشور دارد. کشور ما با توجه به ترکیب جمعیتی و فراوانی نیروی کار، بیش از هر چیز برای رشد و توسعه نیاز به افزایش بهره وری نیروی کار دارد. با وجود ظرفیت نیروی کار نه تنها تمایل و اراده جدید برای جذب آنها صورت نگرفته بلکه با بروکراسی زائد مانع کارآفرینان و نبرهای فعال شد. مقام معظم رهبری در بیانیه با یادآوری سرمایه انسانی کشور و انتقاد از استفاده این ظرفیت فرمودند: «نکته ای مهمی که آینده سازان باید در نظر داشته باشند این است که در کشوری زندگی می کنند که از نظر ظرفیت های طبیعی و انسانی کم نظیر است و بسیاری از این ظرفیت ها با غفلت دست اندرکاران تاکنون بی استفاده یا کم استفاده مانده است. نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل و ایمانی و دینی مهم ترین ظرفیت امید بخش کشور می باشد (مقام معظم رهبری ۹۷/۱۱/۲۴)

در تحلیل مفاهیم بکار رفته در بیانیه، این نتیجه حاصل شد که از بین کلمات و اصطلاحات کلیدی، واژه جوانان با بسامد حدود ۴۰ بار، بیشترین فراوانی را داشته است. بر این اساس به نظر می‌توان ادعا کرد که محور اصلی این بیانیه جوانان هستند در بیانیه ماموریت‌هایی از جمله ساختن تمدن نوین اسلامی از طریق مدیریت جهادی و انقلابی، تحقق اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، توسعه و گسترش علم و پژوهش، معنوی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و سبک زندگی به جوانان واگذار کرده است. یکی از راه‌های عملیاتی شدن بیانیه مساله توانمندسازی جوانان در عرصه مدیریت است. توانمندسازی به معنای ایجاد شرایط لازم برای بهبود انگیزش افراد در انجام وظایف خویش، از طریق پرورش احساس کفایت نفس تعریف کرده است. (Dafi, 2000: 42). مجموعه روش‌ها و اقدامات بیرونی و درونی برای ایجاد و توسعه دانش، نگرش، انگیزش و توانایی منابع انسانی به منظور رشد و تعالی نیروی انسانی و بهبود و افزایش بهره‌وری سازمانی (مهرابی، ۱۳۹۳: ۳۷). اگر چه از تاریخ کاربرد این اصطلاح در ادبیات علوم انسانی اطلاعات دقیقی در دست نیست. اما تا قبل از ورود آن به مدیریت در شاخه‌های مختلف علمی از جمله در علوم فنی با نگرش بهبود و ارتقاء در سیستم‌ها بسط و گسترش یافت. توانمندسازی در دوران نهضت روابط انسانی کانون توجه صاحب نظران مدیریت بشمار می‌رفت. مسائلی مانند رضایت، غنی‌سازی شغل مطرح شد و توانمندسازی جوانان به عنوان یک هدف مهم و حیاتی در سازمان و مدیریت آینده جامعه مطرح گردید.

۴- رویکرد سیاسی

حوزه سیاست به لحاظ وسعت موضوعی از حوزه‌های مهم، حساس چند وجهی و تاثیرگذار بر سایر حوزه‌ها می‌باشد. موضوع سیاست را می‌توان به سیاست خرد و کلان، داخلی و خارجی تقسیم کرد. حکومت برآمده از انقلابی اسلامی با طرح الگوی مستقل از حکمرانی مفاهیم جدیدی از جمله مردم‌سالاری دینی، حمایت از مستضعفین، استقلال و آزادی را به عنوان شاخصه‌های اصلی حکومت مطرح کرد. نظریه عدالت و چگونگی تامین آن مرکز ثقل اندیشه انقلاب اسلامی می‌باشد. راهکارهای زیر در باب سیاست از قابلیت‌های قابل دفاعی برخوردار می‌باشد:

۴-۱- چرخش نخبگان

از دیدگاه رئالیست هایی چون پارتو کار ویژه اصلی انقلاب باز کردن مجاری تحرک اجتماعی، سیاسی و چرخش نخبگان است. موفقیت مشروعیت هر نظامی سیاسی در حد بالایی، به چگونگی میزان چرخش نخبگان در آن نظام بستگی دارد. در صورتی این موفقیت تکمیل می شود که آنان کاملاً با معیارها و هنجاری تعریف شده آن نظام مطابقت و همخوانی داشته باشد. مسئولان و کارگزاران حکومت اسلامی در حوزه نظر و عمل و رفتارهای اجتماعی باید به گونه‌ای عمل نمایند که هنجارها دینی و قانونی جامعه را در دستور کار خود قرار دهند. به نظر می رسد بدنه سیاست گذاری نیاز به پوست اندازی و چرخش نخبگان و حضور نیروهای جدید متعهد به ارزشهای دینی، آرمانهای انقلاب و امام راحل دارد. باید به جوانان مومن و انقلابی فرصت و میدان داد.

۴-۲- اتخاذ راهبرد مقاومت و حضور در صحنه

تجربه چهار دهه انقلاب اسلامی نشان می دهد حضور حداکثری مردم در صحنه های سیاسی و مشارکت و اجماع نخبگان در آن موضوع نه تنها میزان مشروعیت نظام را ارتقا داده حداکثر موفقیت در عرصه سیاست داخلی و رغم زده است. این راهبرد را می توان در سیاست خارجی (در حمایت و دفاع از نهضت های آزادی بخش، محورهای مقاومت)، اقتصاد (پیاده سازی شاخصه ها و مولفه های اقتصاد مقاومتی) و سایر حوزه ها بکارگرفت که برای موفقیت بهتر به تلاش و مدیریت جهادی نیاز دارد (ملکوتیان، کتابی، ۱۴۰۳: ۲۲). راهبرد مقاومت در سیاست خارجی، به معنای ایستادگی در مقابل نظام سلطه است که از لوازم آن در اختیار داشتن نیروها و کادرهای سیاسی متعهد و راهبرد های ویژه برای گروه ها، کشورهای و مناطق مختلف و نیز شناخت نقاط قوت و نقاط آسیب پذیر خودی و دشمن و بهره گیری از نقاط قوت خودی است. در این راهبرد، از تعامل بی موقع و عدم توازن در توافقات بین المللی و اعتماد به پای بندی غربی ها به این توافق ها دوری می شود. نکته اساسی مسئولین دستگاه سیاست خارجی در اولویت قراردادن اصل عزت، حکمت و مصلحت نظام با توجه اقتضائات روز می باشد.

۴-۳- ارتقای قدرت ملی

در سیاست خارجی سه پرسش کلیدی مطرح است: منافع ملی کدام اند؟ اهدافی که طی آن این منافع به بهترین وجه تامین شده و افزایش می یابند کدامند؟ سیاست ها یا ابزارها نیل به اهداف به بهترین وجه، کدامند؟ بیشتر این پرسش و جنبه سوم مربوط به سیاست خارجی مورد توجه قرار

گرفته و اهداف کمتر و منافع ملی حتی کمتر از اهداف مورد توجه جدی بوده اند در حالی که دولتمردان باید بیش از توجه به ابزارها به منافع و اهداف توجه کنند. یکی از اهداف سیاست خارجی هر کشوری در کنار حفظ منافع ملی افزایش قدرت ملی می باشد. امروزه روابط بین الملل بر طبق نظریه رئالیستی بر پایه قدرت و زور بیان گذاری شده است. بنابراین آینده نگری برای ارتقای قدرت ملی باید در صدراولویت ها و با حساسیت و جایگاه ویژه در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری کلان جامعه باشد. مقام معظم رهبری در باره اهمیت ارتقای قدرت می فرمایند: روزی که به قله پیشرفت و قدرت برسیم، دشمنی ها پایان می یابد. کشور باید از درون قوی شود. ایشان در سخنرانی پس از صدور بیانیه نیز با نگاه به ظرفیت ها و توانمندی های داخلی در موضوع افزایش اقتدار کشور، بر لزوم توجه به انواع تسلیحات مورد نیاز و نیز جلوگیری از رخنه و نفوذ دشمنان در دستگاه های کشور تاکید نمود.

۵- رویکرد علمی و فناوری

مقام معظم رهبری بارها در سخنرانی مختلف و در دیدارهای رسمی با نخبگان دانشگاهی لزوم توجه به علم و فناوری متذکر شده و مسئولین امر را در برنامه ریزی و سیاستگذاری در این حوزه را یاد آور شده اند. حوزه علم، چه علوم انسانی اجتماعی و چه علوم تجربی فنی مهندسی، آشکارا در فراهم ساختن مسیر دستیابی به تمدن اسلامی موثر است. بر اساس سند پایه پیشرفت، ایران تا سال (۱۴۴۶ ش) باید در علوم انسانی و فرهنگ متعالی در سطح بین المللی پیشتاز و در تولید اندیشه، علم و فناوری در بین ۵ کشور پیشرفته باشد. راهکارها و راهبرد در حوزه علم و فناوری به شرح ذیل است:

۱-۵- بومی سازی علم

یکی دیگر از اهداف تعریف شده در بیانیه، مساله پژوهش و بومی سازی علوم در پاسخ به مشکلات و چالش های درونی جامعه است. بومی سازی به معنای ایجاد تغییر در علم یا هر محصول وارداتی به منظور انطباق با جامعه مدنظر است که بسیاری از متفکران کشورهای جهان سوم و درحال توسعه به آن توجه نشان داده اند (امیدیان، زندوانیان، ۱۳۹۸: ۲۳۲). بومی سازی به لحاظ کارکردی و ماهیت با علم بومی تفاوت دارد. بومی سازی به این معناست که ما علوم را از جوامع دیگر وارد و آن را بر طبق نیازهای فکری خود تغییر دهیم، اما بومی بودن یعنی این که علوم از ابتدا در زمینه های فکری جامعه به وجود بیاید. خاستگاه اولیه علم بومی همان کشور است، ولی علم بومی شده خاستگاهی

خارج از آن کشور دارد. بومی سازی علم در چهار سطح قابل طرح است: سطح اول ناظر به ورود علم به جامعه میزبان و استفاده از علم وارداتی روی (آزمودنی ها و طرح نظرات) در چارچوب همان دانش وارداتی است. حتی در ترجمه متون سعی می شود از اصطلاحات خارجی استفاده شود و بیشتر از یادگیرندگان انتظار می رود خود را با فرهنگ وارداتی انطباق دهند. از نظر برخی از افراد همین که علم از زبانی به زبانی دیگر ترجمه شد و در فرهنگ جدید وارد شد، علم بومی می شود، چون جامعه هدف فرق کرده است (پارسانیا، میرسپاه و پناهی، 2009). دومین سطح متصور مربوط به گسترش حوزه ترجمه متون علمی در علوم انسانی است. در این سطح از بومی سازی، باید در فرایند ترجمه متون علمی (کتابها، مقاله ها، سؤال های پرسشنامه ها و سایر ابزار گردآوری داده ها) از زبان بیگانه به زبان بومی، با توجه به وضعیت فرهنگی موجود در جامعه میزبان، مطالب را بومی کرد.

سطح سوم از بومی سازی باید بین فرهنگ میزبان و فرهنگ بیگانه ای که علم از آن گرفته می شود، نوعی داد و ستد برقرار شود؛ به گونه ای که بتوان متناسب با اوضاع فرهنگی و اجتماعی کشور میزبان، از یافته های علمی استفاده کرد. همچنین به صورت متقابل، یافته های علمی کشور میزبان برای کشورهای دیگر درک پذیر باشند و در چارچوب قواعد علمی آنان قرار گیرند. با این گزاره هیچ کشوری نباید تنها مصرف کننده نظریات علمی دیگران باشد. باید خودش هم خلاقیت داشته باشد. در سطح سوم سعی می شود ضمن توجه به چارچوب های علمی و نظری، مشکلات و مسائل خاص جامعه میزبان در قالب طرح های پژوهشی اجرا و برای حل آنها از علم بومی شده استفاده شود. شماری از پژوهشگران دانشگاهی و کسانی که به ویژه با مسائل اجتماعی درگیر هستند از این رویکرد دفاع می کنند

در بالاترین سطح، یعنی سطح چهارم، از تولید علم بومی یاد می کنیم که با بومی سازی تفاوت دارد. در سطح چهارم، ضرورت تولید علم بومی مطرح می شود که از نظر روش شناسی و موضوع و محتوا با محیط اجتماعی هماهنگ است. در پاسخ به این که باید به کدام سطح از سطوح بومی سازی توجه شود، باید در نظر داشت که این موضوع، با توجه به نوع رشته، تاریخچه و منابع موجود در هر کشور فرق می کند و در انتخاب سطح بومی سازی، توجه به این عوامل اهمیت ویژه ای دارد. این دیدگاه ضمن انتقاد از شیوه علمی موجود در دنیا، روش های مبتنی بر جهانی بینی اسلامی را در پژوهش توصیه می کند که به نظر می رسد در سطح چهارم بومی سازی و در حوزه مباحث معرفت شناسی قرار گیرد. اسلامی بودن معرفت یا اسلامی سازی معرفت به معنای کشف، تدوین، ابلاغ و نشر معرفت

درباره جهان و زندگی انسان، از زاویه جهان بینی اسلامی است. بومی سازی علوم در ایران دچار انفعال شده و بازگشت به دوران طلایی علم و پیشتازی و تعیین افق آینده کشور نیازمند عبور از تحقیقات جزئی به سمت نظریه های کلان است. اجرای پژوهش های علوم انسانی در چارچوب نظریه های غربی راه به جایی نخواهد برد. از سوی دیگر ارتقاء علوم انسانی بدون عزم جدی متخصصان این حوزه امکانپذیر نیست. جدی نبودن اساتید این رشته ها و عدم نظارت موثر بر فرایند آموزش به ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی جایگاه علوم انسانی را دچار تزلزل می کند (طالبی، ۱۴۰۱: ۱۲۵).

۲-۵- توجه کافی و دائمی به دانش های مهم و برتر در علم و فناوری

بسیار از اندیشمندان از جمله اما نوئل کاستلز عصر آینده عصر دانش و فناوری ارتباطی و اطلاعاتی معرفی کرد. کاستلز تحلیلی بدیع و مناقشه انگیز در باره جامعه اطلاعاتی و آن دسته از نیروهای جهانی بدست می دهد که در حال دگرگون ساختن حوزه های مختلف بشری است. وی آینده را از آن دولت هایی می داند که جایگاه خوبی در دانش و فناوری های نوین داشته باشند طی چهل سال اخیر در بعضی از رشته ها مانند سلول بنیادی، صنایع پهبادی، موشکی، نانو و پزشکی با توجه به تحریم دشمن و رشد نسبتاً خوبی داشته و حتی توانایی و ظرفیت صدور دانش و محصولات آن برای کشورهای هدف مقدور می باشد اما دستیابی به توسعه مبتنی بر دانش مستلزم تلاش های هدفمند و سازمان یافته در سطوح ملی، برنامه ریزی و سیاستگذاری می باشد.

۳-۵- تسهیل روند تبدیل علم به فناوری

تسهیل این روند عملاً بوسیله همکاری سه قوا از طریق زنجیره شرکت های دانش بنیان، پارکهای علم و فناوری مراکز رشد کارخانه و شرکت های تولید انبوه صورت می گیرد. دانش نباید انباشته شده و به فناوری کالا و ثروت و صادرات تبدیل نشود. روند تولید انبوه را می توان از طریق تصویب قوانین، کمک دولت، حمایت های قضایی، تامین امنیت روانی، اعتماد سازی، تقویت سرمایه اجتماعی و روش های تشویقی سرعت بخشید. اما لازمه دستیابی به این هدف، ایجاد و گسترش بنگاه های دانش و فناوری به عنوان متولیان کارآمد تولید، توسعه و تجاری سازی دانش، فناوری و نوآوری در جامعه است. بنگاه های دانش و فناوری، سازمان های نوین و چندگانه ای هستند که از طریق اشتراک مساعی و همکاری خلاقانه دانشمندان و صاحب نظران دانشگاه ها، متخصصان و سرمایه گذاران خطرپذیر بخش صنعت و سیاستگذاران و برنامه ریزان دولت پدید آمده اند و هدف و مأموریت خلق، توسعه و

تجاری‌سازی دانش، فناوری و نوآوری را در جامعه به شکل مطلوب‌تری نسبت به نهادهای سنتی و مرسوم در این زمینه به انجام می‌رسانند. از دیگر سو، پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری به مثابه حلقه واسط میان سه نهاد دولت، دانشگاه و صنعت و یکی از مؤلفه‌های اساسی نظام ملی نوآوری و اقتصاد توسعه مبتنی بر دانایی، قادرند به عنوان بستر مناسبی جهت ایجاد و توسعه بنگاه‌های دانش و فناوری در کشور عمل نمایند. به عبارت دیگر، شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان مستقر در پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری، از جمله مناسب‌ترین مؤسسات به منظور تبدیل به بنگاه‌های دانش و فناوری و ایفای نقش محوری آنان به کشور محسوب می‌شوند.

۴-۵- بهره‌گیری از دیپلماسی علمی فناوری

در سال ۱۳۸۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی موضوع ضرورت توجه به دیپلماسی علمی فناوری در نقشه جامع علمی کشور را به تصویب رساند. در این نقشه سیزده راهبرد کلان در پنج فصل مطرح شده است. در فصل پنجم به چهارچوب نهادی علم و فناوری های نوین پرداخته است. به نظر می‌رسد راهکارهای مهم در زمینه فناوری جذب دانشجویان از کشورهای های مسلمان و همکاری با آنها در حوزه دانش های برتر است. این کار از دو جهت حایز اهمیت است اولاً دانشجویانی خارجی که در ایران تحصیل می‌کنند در آینده نماینده خوبی در معرفی کشور به سایر کشورها می‌شوند ثانیاً مجموعه فعالیت های دانشجویان با توجه به فرهنگ بومی و معرفت کافی به مبانی دینی در پاسخ به نیاز های کشورهای مسلمان موفق تر عمل خواهند کرد.

۵-۵- توسعه و ساماندهی نخبگان

یکی از مهم ترین و ساده ترین راههای توسعه فناورانه در این حوزه تشکیل بانک اطلاعاتی در داخل و خارج کشور بویژه کشورهای مسلمان است. این اطلاعات سیاستگذاران را در تدوین اجرای و تامین اهداف در بلند مدت و کوتاه کمک فراوانی می‌نماید. در این راه می‌توان از راهبردهایی چون حمایت از پایان نامه ها و رساله های تحصیلی، حمایت از توسعه پارک های علم و فنوار، تدوین قوانین و مقررات فناورانه، طراحی و توسعه برنامه های پژوهشی، فرصت مطالعاتی، طراحی و سازکار لازم برای تربیت و جذب نخبگان، حمایت از تاسیس انجمن ها و پژوهشگاه ها، متناسب سازی رشته ها با نیاز کشور، ایجاد سازوکارهای حمایتی و اعطای بورس تحصیلی و فراهم آوردن بستر مشارک نخبگان در سمپوزیوم ها استفاده کرد.

نتیجه گیری

سند راهبردی بیانیه گام دوم انقلاب را می توان طلایه چشم اندازسازی از گفتمان متعالی انقلاب، برای آینده آینده انقلاب و کشور و همچنین سرآغاز عملی شدن آرمان اصیل انقلاب اسلامی، پس از طی مراحل همانند شکل گیری و تثبیت دانست. طرح و تدوین بیانیه به دنبال شکل گیری تحولی جدید در پیشبرد اهداف عالی نظام اسلامی بوده است. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم به هفت سرفصل مهم و اساسی اشاره کرده که برای طی مسیر آینده و رسیدن به چشم انداز نهایی و ایجاد تمدن نوین اسلامی باید سرلوحه اقدامات مسئولین و سیاستگذاران در کشور قرار گیرد. در این بیانیه، اقتصاد به عنوان نقطه کلیدی تعیین کننده تلقی می گردد و به عنوان ابزار اصلی تحقق هدف جامعه اسلامی ایفای نقش می کند. در بیانیه در کنار اقتصاد، تغییر در رویکردهای فرهنگی، سیاسی و علمی از جمله مولفه های مهم و تاثیر در اجرای حکمرانی مطلوب مورد تاکید و توصیه های جدی صورت گرفته است. این پژوهش که به روش توصیفی- تحلیلی صورت گرفته، راهبردها و مکانیسم اجرایی شدن بیانیه را مورد بررسی قرار داده است. به نظر می رسد که راهبردهای عملیاتی شدن بیانیه مطابق اقتضات زمانی بوده و دولت ضمن تداوم نقش محوری خود ناگزیرند با طیف متعدد از بازیگران اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی در چارچوب ترتیبات اداره گری داخلی برای تدبیر مسائل داخلی همکاری کنند. چالش بزرگ پیاده سازی بیش از آنکه تئوری و نظری باشد، مشکل عینی و واقعی است. پیاده سازی نیازمند امنیت و امنیت نیازمند نظام حقوقی مطلوب است تا زمانی که مساله امنیت محقق نشود هرگونه بحث تئوریک کارایی بالایی ندارد. یافته ها نشان می دهد که اولاً در حوزه فرهنگی سازوکارهای اجرایی چون ضرورت فهم مشترک، انتقال ارزش ها، اطلاع رسانی شفاف از مجموعه دستاوردها و گفتمان سازی اگرچه زمان بر و دارای پیچیدگی های خاص خود بوده اما تاثیر گذاری بیشتری بر نسل جوان دارد. ثانیاً مکانیسم اجرایی در حوزه اقتصادی نیازمند اجماع سیاست گذاران بر سر تعیین اقتصاد باثبات، گذار از خام فروشی نفت، کاهش تصدی گری دولت و نگاه به ظرفیت های داخلی در کوتاه مدت می باشد. ثالثاً در حوزه سیاست سازوکارهایی اجرایی چون چرخش نخبگان، ارتقای قدرت ملی و درحوزه فناوری بومی سازی علم و توجه به دانش های مهم و برتر و تبدیل آن فناوری توصیه شده است.

فهرست منابع

- اخوان، محمدجواد (۱۳۹۷). انقلاب در گام دوم، برهان و اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی، ۴ (۲۱)، ۳۰-۳۸.
- امیدیان، مرتضی؛ زندوانیان، احمد (۱۳۹۸). بومی سازی علم روا نشناسی در راستای تحول و ارتقای علوم انسانی با رویکرد قانون برنامه ششم توسعه، سیاست های راهبردی و کلان، ۷ (۲)، ۲۴۸-۲۲۷.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۵). روش شناسی انتقادی حکمت صدرای، قم: کتاب فردا.
- جلیلی، محمد؛ نوروزی فیروز، رسول (۱۴۰۰). دریافت نقش آفرینی انقلاب اسلامی در بازتولید عناصر تمدنی ایران (معاصر) مبتنی بر تحلیل مضمونی بیانیه گام دوم انقلاب، پژوهش های سیاست اسلامی، ۹ (۱۹)، ۴۱-۱۲.
- چگینی، هوشیار (۱۳۹۱). دولت چقدر در اقتصاد دخالت کند؟ سایت دنیای اقتصاد ۱/۱۲/۱۳۹۱.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- درخشان، مسعود (۱۳۹۸). تحلیل اقتصادی: عیوب ساختاری و ضعف های مدیریت در اقتصاد ملی، سایت گام دوم انقلاب.
- ذاکری، مختار؛ شیروانی شیرینی، علی (۱۴۰۰). تحلیل محتوای بیانیه گام دوم انقلاب بر مبنای مؤلفه های هویت آفرینی اسلامی-ایرانی. مطالعات ملی، ۲۳ (۱)، ۵۱-۳۳.
- رستمی، هوشیار (۱۳۹۱). دولت چقدر در اقتصاد دخالت کند؟ سایت دنیای اقتصاد ۱/۱۲/۱۳۹۱.
- طالبی، عباسعلی (۱۴۰۱). بررسی چالش های دانشگاه در تحقق طرح تحول علوم انسانی، سیاست پژوهی تحول در علوم انسانی، ۱ (۲)، ۱۱۱-۱۲۹.
- طالبی، عباسعلی؛ موسوی زاده، سید ابوالفضل (۱۴۰۲). بررسی و تبیین تهاجم نرم و سواد رسانه ای با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مطالعات قدرت نرم، ۱۳ (۳۵)، ۱۷۳-۱۹۴.
- غمامی، سید مهدی (۱۳۹۷). نسبت سنجی الگوی پایه اسلامی پیشرفت ایرانی و اسلامی و بیانیه گام دوم انقلاب کیهان فرهنگی ۳۵ (۳۸۶)، ۶۸.
- فروتنی زهرا؛ بحرانی، عطیه (۱۴۰۱). چالش های ساختاری مطرح در بیانیه گام دوم انقلاب و راهکارها، پژوهش های انقلاب اسلامی، ۱۱ (۴۳)، ۲۳۴-۲۱۵.
- فضائلی، مهدی (۱۳۹۷). چرا بیانیه گام دوم انقلاب مهم است؟، نامه شورا، ۹ (۱۲۷)، ۳۷.
- فلاح، محمدجواد (۱۳۹۸). تبیین نقش امید در تحقق اهداف انقلاب اسلامی بر اساس بیانیه گام دوم، مجموعه مقالات گام دوم انقلاب اسلامی؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز/ معنویت و اخلاق، ۹۷-۱۱۱.

- کتابی، امیرعلی؛ ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۹). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و راهکارها و راهبردهای عملیاتی شدن آن، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۴)، ۲۷-۷.
- کجوری گشنیانی، یونس؛ باقری دولت آبادی، علی؛ فتاحی زاده، ابوذر و نیکفر، جاسب (۱۴۰۲). روحانیت و کنشگری آن در مبارزات انقلاب اسلامی: تحلیل محتوای مکاتبات امام خمینی (ره) (۱۳۴۰-۱۳۵۰). راهبرد سیاسی، ۷(۱)، ۳۴-۷.
- کرت، رابرت ام (۱۳۹۶). مدیریت استراتژیک با رویکرد امروزی ترجمه آرش خلیلی نصر، تهران: آریانا قلم.
- کلاتتری، ابراهیم (۱۳۹۰). شناسایی عمده ترین چالشهای پیش روی انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله با آنها بر پایه تحلیل فرامنتی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۴۸)، ۲۹-۴۸.
- محمودپناهی، سید محمدرضا (۱۴۰۲). الگوی جامعه پردازی نظام مردم سالاری دینی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. راهبرد سیاسی، ۷(۳)، ۳۲-۹.
- مهرابی، امیر حمزه (۱۳۹۳). توانمند سازی منابع انسانی در نظام ارزشی اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و آستان قدس رضوی.
- نقی لو، علی (۱۴۰۱). نقش انقلاب اسلامی در نظریات انقلاب. راهبرد سیاسی، ۶(۱)، ۱۹۹-۲۱۰.
- Dafi, Richard (2000) "Organization Theory and Design", (Shout _ Western College Publishing, USA.
- Grimmelikhuijsen, S. G. & Albert, J. M (2014). "The Effects of Transparency on the Perceived Trustworthiness of a Government Organization: Evidence from an Online Experiment", Journal of Public Administration Research and Theory, 24(1), 137-157.
- Scott, Vivian & Geden, Oliver (2018). "The Challenge of Carbon Dioxide Removal for EU Policy-Making", Nature Energy, 3(5), pp 350-352.